

س‌شرق

روزنامه

سرمقاله

امید امام (ره) بود

سید محمود دعایی



آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از علمایی بودند که پیش از آغاز نهضت، با امام (ره) مرتبط بودند و علاوه بر ارتباط استاد و شاگردی، رابطه عاطفی و معنوی خاصی بین آنها برقرار بود. امام در ایشان شخصیتی را دیده بود که آینده درخشانی دارد. استعداد سرشار، آگاهی، تیزهوشی و درک روشن اجتماعی داشت و در کنار آن، از شجاعت و شهامت ویژه‌ای برخوردار بود. امام ایشان را در زمره شاگردان آینده‌دار خود دانستند و روی بُعد تربیتی، معرفتی و آموزشی آقای هاشمی سرمایه‌گذاری کردند. تنها موردی که امام به مناسبت رحلت پدر یکی از شاگردان، درس خود را تعطیل و نماز میت آن مرحوم را خواندند، درگذشت پدر آقای هاشمی بود و این از موارد نادری است که در زندگی آموزشی و تدریس امام اتفاق افتاد. این سطح رابطه و ارادت بی‌نظیر آقای هاشمی به امام(ره)، حساسیت رژیم را برانگیخت و از اقدامات غیرعادی‌ای که در واکنش به این مسئله انجام داد، برداشتن معافیت سربازی ایشان و چند نفر از باران نهضت بود. امام(ره) از این پدیده به عنوان یک فرصت یاد کردند. آقای هاشمی در این دوران با فرماندهان و عناصر نظامی رابطه برقرار کردند و تأثیرگذار ظاهر شدند. برای درجه‌داران و ارتشی‌ها جلسات سخنرانی و آموزش دینی برگزار کردند و فعالیت معنوی و طلبگی را ادامه دادند. موارد استثنایی و جالبی در آغاز زندگی مبارزاتی آقای هاشمی اتفاق افتاد. بعد از دستگیری امام و برای تداوم نهضت، برنامه‌هایی تدارک دیده شد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

مردی با مختصات جامعه سیاسی

حمیدرضا جلیلی‌پور



آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، هویتی مرکب داشت؛ هم روحانی، هم انقلابی، هم توسعه‌گرا، هم عمل‌گرا و هم سیاست‌مدار بود، ترکیب همه اینها، با توجه به ویژگی‌هایی که جامعه سیاسی ایران دارد، این شخصیت نقشی کلیدی در این مختصات سیاسی پیدا کرد که منظورم از جامعه سیاسی ایران، بخش رسمی آن یعنی حکومت است؛ در این بخش دو جنبه وجود دارد؛ یکی اینکه حکومت می‌خواهد نماینده مردم باشد که همان وجه دموکراتیک و جمهوری حکومت است، اما بخش دیگر به این چیزها بدبین است و با حاکمیت قانون و حاکمیت رای مردم مشکل دارد. در چنین وضعیتی سیاسی، آقای هاشمی با آن هویت و شخصیت مرکب، نقش لولایی میان دو طرف حکومت را بازی می‌کند؛ او با این ویژگی‌هایی که داشت اجازه نداد جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی تبدیل شود، به‌ویژه در دوران احمدی‌نژاد که جریان ضد توسعه و جریان مخالف جمهوریت قوی شده بود، او طرف مردم و جمهوریت را گرفت؛ این کار بسیار مهمی بود که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از عهده آن برآمد، یک روحانی صرف روحانی بودن یا استاد دانشگاه به‌عنوان صرف دانشگاهی بودن نمی‌تواند این نقش را ایفا کند. درعین‌حال نقشی که ایشان در پایان‌دادن به جنگ داشت، بسیار مهم بود. امام (ره) نیز تحلیل ایشان را خیلی جدی می‌گرفت. در دوره جنگ چه‌بسا اگر تأخیر می‌کردیم، چند استان ایران در معرض خطر جدایی قرار می‌گرفت، اما با پذیرش قطع‌نامه، رشد ایران و سقوط صدام شروع شد. هاشمی‌رفسنجانی، توسعه اقتصادی را بعد از جنگ جدی گرفت، کوتاه نیامد و کاری کرد که توسعه تبدیل به رویه شود تا حالا بتوانیم از توسعه همه‌جانبه صحبت کنیم، وگرنه شاید به وضعیت شهرهای افغانستان شبیه شده بودیم، نکته دیگر اینکه با ضربه‌ای که دوره احمدی‌نژاد به ساختار اقتصادی کشور وارد شد، کشور از پا درنیامد و اینها همه مدیون زیرساخت‌هایی بود که در دوره آقایان هاشمی و خاتمی برای این کشور فراهم شده بود. اتفاقی مهم دیگری که نباید آن را فراموش کرد، انتخابات خرداد ۷۶ است. او در سال ۷۶ به مردم گفت اجازه نخواهم داد تقلب شود یا در دوره اصلاحات که به‌شدت در معرض نقد قرار گرفت، هیچ‌گاه پشت اصلاح‌طلبان را خالی نکرد.

ادامه در صفحه ۵

تیتراها

اکبر ترکان در گفت‌وگو با «شرق»:

به تفکر «هاشمی»

هنوز هم نیاز داریم

صفحه ۴

روایت عیسی کلانتری از دولت سازندگی

سازمان برنامه

کوتاهی کرد

صفحه ۵

عبدالله نوری: نگرانم

صفحه ۷

مصطفی هاشمی‌طبا در گفت‌وگو با «شرق»:

ورزش بانوان از دوران

سازندگی شروع شد

صفحه ۱۴

حجت‌الاسلام ناطق‌نوری:

تا که رفتیم

همه یار شدند

صفحه ۲

روایت خبرنگار «شرق»

از شب غیرمنتظره

صفحه ۲

حرف اول

مردی که شبیه هیچ‌کس نبود

محمد عطریانفر



هاشمی شبیه هیچ‌کس نبود و بیش از همه خودش بود. با ادبیات امروز ما که می‌خواهند هر فردی را به دسته و گروهی سیاسی متصل کنند، قابل تعریف نبود، خط و مرام سیاسی خودش را داشت. هم چوب تنبیهش به برخی فعالان و گروه‌های سیاسی خورده بود و هم دست نوازشش. او در انقلاب نقش مؤسس داشت، دستیار امام(ره) بود و در شکل‌گیری نظام سیاسی بزنگاه معادلات جهانی نقشی تأثیرگذار ایفا می‌کرد. او در پهنه سیاسی ایران همواره نقشی تمام‌کننده و تعیین‌کننده داشت؛ در دوره‌ای ریاست پارلمان بر عهده‌اش گذاشته شد، بعدتر در دوران سخت جنگ فرماندهی جنگ را برعهده گرفت و در مدیریت وضعیت پس از رحلت امام(ره) نقشی کلیدی ایفا کرد و در استحکام جایگاه رهبری در ایران کوشید. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، همچنین در مدیریت حوادث ۸۸ نقش کلیدی داشت و حضورش توانست تعادلی در برخوردهای سیاسی به وجود آورد. این صفت‌ها و ویژگی‌ها همگی پدیدآورنده شخصیت سیاسی منحصربه‌فردی است که نمونه‌اش در تاریخ سیاسی ایران نبوده و به همین خاطر مقایسه هاشمی با این و آن را نمی‌پسندم. او در مسیر ارزش‌های نظام و انقلاب تعلق خاطری به آرای امام(ره) داشت و در برابر قرائت‌های منحرفانه‌ای که از دکترین ولایت فقیه می‌شد، ایستادگی کرد. مهم‌تر از همه اینکه هاشمی در تمام زندگی‌اش به شعارهای انقلاب و به‌ویژه نقش مردم در حاکمیت انقلاب اسلامی پایبند بود و برای حضور و مشارکت سیاسی مردم نقشی ذاتی قائل بود. ظرفیت و توان هاشمی حتی در دوره پس از مرگ او نیز هویدا خواهد شد. همین حالا وضعیت را ببینید؛ شعارها و پیام‌ها همگی حول وحدت و تعامل است. حتی و این نکته بسیار حائز اهمیت است. حتی منتقدان هاشمی نیز نمی‌توانند در دوران «پساشمی» بی‌انصافی کنند. امروز صفحه یک روزنامه جوان را می‌دیدم، این رسانه که متعلق به سپاه است و بعضاً در نقد هاشمی کوشیده بود، به‌درستی صفحه یک متعادلی منتشر کرده است که جای تقدیر و تشکر دارد، من اینها را از میراث هاشمی می‌دانم، میراث میانه‌روی و اعتدال. نگرانی من از دوران پساشاهشی، بحران‌هایی است که کشور با آن مواجه خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۵

با آثار و گفتاری از:

معصومه اینکار، محمد اشرفی‌اصفهانی

محمد بهشتی، محمدرضا تابش، حجت‌الله جودکی

علی خرم، مهرزاد دانش، مصطفی درایتی، عباس دوزدوزانی

محمدعلی رامین، مجید رضائیان، عبدالله رمضان‌زاده

صادق زیباکلام، سیدجلال ساداتیان، احمد شیرزاد

رسول صدراعظمی، بهروز غریب‌پور، فریدون مجلسی، عباس ملکی

آذر منصوری، سیدمحسن هاشمی، داوود هرمیداس‌باوند